

آزمون وفاداری به اندیشه وحدت‌ساز رهبر شهید



در تحلیل اندیشه سیاسی رهبر شهید، معمولاً بر مفاهیمی همچون مقاومت، عدالت، استقلال و پیشرفت تأکید می‌شود؛ اما یکی از اصولی که از آغاز رهبری ایشان در سال ۱۳۵۹ تا واپسین بیانات در سال ۱۴۰۴ با ثبات و استمرار دنبال شد، تبدیل مناسبت‌ها و آیین‌های ملی و دینی به عرصه‌ای برای تقویت وحدت و انسجام بود. این نگاه، نه یک تدبیر مقطعی، بلکه بخشی از منطق حکمرانی ایشان به شمار می‌رفت؛ منطقی که بر حفظ همبستگی درون جامعه اسلامی و جلوگیری از گسترش شکاف‌های سیاسی و مذهبی استوار بود.

رهبر شهید، وحدت را هرگز به معنای یکسان‌اندیشی یا حذف تفاوت‌ها تفسیر نکردند. در منظومه فکری ایشان، انسجام ملی و وحدت اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که جریان‌های مختلف، با وجود تفاوت در سلیقه‌های سیاسی، گرایش‌های فکری و تعلقات مذهبی، بتوانند بر محور منافع کلان امت اسلامی و کشور در کنار یکدیگر قرار گیرند. از همین رو، حضور شخصیت‌های گوناگون در مراسم‌های رسمی، ملی و مذهبی، همواره بخشی از پیام آن مراسم تلقی می‌شد، نه صرفاً یک تشریفات اداری.

این رویکرد در سال‌های مختلف، در دیدارهای رسمی، همایش‌های وحدت اسلامی، کنفرانس‌های بین‌المللی، مراسم‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی قابل مشاهده بود. تلاش برای دعوت از علمای شیعه و اهل سنت، اندیشمندان جهان اسلام، نخبگان سیاسی با گرایش‌های مختلف و نمایندگان اقوام و مذاهب، بیانگر این واقعیت بود که خود ترکیب حاضران، حامل یک پیام سیاسی و فرهنگی است. در این نگاه، آیین‌ها تنها محل برگزاری مراسم نیستند؛ بلکه ابزار تولید سرمایه اجتماعی و تقویت اعتماد میان گروه‌های مختلف به شمار می‌روند.

آخرین ماه‌های حیات رهبر شهید نیز استمرار همین اندیشه را نشان داد. ایشان در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خرداد ۱۴۰۴، ضمن تبیین مفهوم صحیح انقلابی‌گری، نسبت به تبدیل اختلافات سلیقه‌ای و سیاسی به نزاع و دوقطبی‌سازی هشدار دادند و تأکید کردند که امروز بیش از هر زمان دیگری حفظ انسجام ملی ضرورت دارد. تأکید ایشان بر اینکه «از کشور در مسائل اساسی باید صدای واحد بیرون بیاید» و ملت و مسئولان «ید واحده» باشند، در حقیقت ادامه همان راهبردی بود که طی بیش از چهار دهه دنبال کرده بودند؛ راهبردی که وحدت را پیش‌شرط اقتدار ملی و اسلامی می‌دانست، نه نتیجه آن.

از این منظر، آیین‌های وداع، تشییع و بزرگداشت رهبر شهید نیز نباید صرفاً به عنوان مراسم‌های سوگواری نگریسته شوند. این مناسبت‌ها، نخستین میدان آزمون برای میزان پایبندی به میراث فکری ایشان هستند. اگر مهم‌ترین توصیه رهبر شهید، پرهیز از اختلاف‌افکنی، احترام متقابل و تقویت همبستگی بود، طبیعی است که شیوه برگزاری این مراسم‌ها نیز باید بازتاب‌دهنده همین اصول باشد.

دعوت از شخصیت‌های علمی، دینی، فرهنگی و سیاسی با گرایش‌های مختلف، حضور علمای شیعه و اهل سنت، مشارکت نمایندگان اقوام، مذاهب و جریان‌های فکری و همچنین فراهم کردن زمینه حضور شخصیت‌های اثرگذار جهان اسلام، تنها یک اقدام تشریفاتی نیست؛ بلکه ترجمه عملی اندیشه‌ای است که رهبر شهید تا واپسین روزهای حیات خود بر آن تأکید داشتند. هر اندازه این دایره فراگیرتر باشد، پیام وحدت نیز باورپذیرتر خواهد بود و هر اندازه این فرصت به رقابت‌های سیاسی یا مرزبندی‌های سلیقه‌ای تقلیل یابد، از ظرفیت تمدنی این مناسبت کاسته خواهد شد.

امروز جهان اسلام بیش از هر زمان دیگری با شکاف‌های قومی، مذهبی و سیاسی روبه‌رو است. در چنین شرایطی، آیین‌های مرتبط با رهبر شهید می‌توانند به الگویی برای بازسازی اعتماد و گفت‌وگو میان جریان‌های مختلف تبدیل شوند؛ مشروط بر آنکه برگزارکنندگان، روح حاکم بر اندیشه ایشان را بر

ملاحظات مقطعی ترجیح دهند. وفاداری به میراث رهبر شهید، تنها در تجلیل از شخصیت ایشان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در آن است که همان رویکرد وحدت‌آفرین، در نحوه طراحی، دعوت، اجرا و پیام‌رسانی این آیین‌ها نیز متجلی شود.

شاید ماندگارترین ادای احترام به رهبر شهید، آن نباشد که مراسم‌های بزرگ‌تری برگزار شود؛ بلکه آن است که این مراسم‌ها به صحنه‌ای برای حضور همه کسانی تبدیل شود که دل در گرو عزت اسلام، استقلال ایران و همبستگی امت اسلامی دارند. اگر چنین شود، آیین‌های وداع و بزرگداشت، تنها یادآور یک فقدان نخواهند بود، بلکه استمرار عملی اندیشه‌ای خواهند شد که بیش از چهار دهه، وحدت را راهبرد اساسی جهان اسلام می‌دانست.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب